

سلسله مباحث فقه جمعیت (۱)

www.ketab.ir
درآمدی بر فقه جمعیت

تدوین

محمد حسن شفیعی شاهرودی

مؤسسه میراث نبوت

شفیعی شاهرودی، محمدحسن، ۱۳۵۴ هـ.ش

درآمدی بر فقه جمعیت / تدوین: محمدحسن شفیع شاهرودی

ص ۲۲۴

قم: مؤسسه میراث نبوت، رمضان ۱۴۴۳ ق = اردیبهشت ۱۴۰۱ ش = ۲۰۲۲ م

ISBN:978-600-6718-18-7

فارسی.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه ص ۲۱۹ - ۲۲۴، همچنین به صورت زیر نویس.

۱- جمعیت -- فقه

سلسله مباحث فقه جمعیت. فروست

ج ۸ / ۶ / ۱۹۸ BP

۱۴۰۲

این کتاب با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است

درآمدی بر فقه جمعیت

نویسنده: محمدحسن شفیع شاهرودی

نویت چاپ: اول، شعبان ۱۴۴۵ ق / اسفند ۱۴۰۲ ش

ناشر: مؤسسه میراث نبوت - قم مقدسه

صفحه آرا: مؤسسه میراث نبوت

چاپ و لیتوگرافی: اصیل - قم مقدسه

شمارگان: ۶۰۰

بها: ۲۰۰/۰۰۰ تومان

مرکز پخش:

قم، خیابان صفائیه، کوچه ممتاز، انتهای کوچه ۵، پلاک ۵، مؤسسه میراث نبوت

تلفکس: ۳۷۷۳۱۱۲۴ - ۰۲۵ همراه: ۰۹۱۹۱۴۹۲۴۸۸

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

مقدمه:

روی حریر عن زرارة عن أبي جعفر عليه السلام قال: في قنوتك يوم الجمعة تقول قبل دعائك لنفسك: «... اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْكُوْ اِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا، وَغَيَّبَةً وَلَيْنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوْنَا، وَقَلَّةَ عَدِدِنَا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا؛ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. وَاعِنَا عَلَي ذٰلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَبِضُرٍّ تَكْشِفُهُ، وَنَضِرُ نِعْرَهُ، وَسُلْطَانٍ حَقٌّ تُظْهِرُهُ...»^۱ [امام باقر عليه السلام می فرماید: در قنوت روز جمعه پیش از دعا برای خودت، این گونه دعا کن: «... خدایا ما به تو شکایت می کنیم از نبودن پیامبران، و از غیبت مولایمان، و از بسیاری دشمنانمان، و کمی افرادمان، و از شدت آشوبها و فتنهها به سوی ما، و از پشت به پشت هم دادن روزگار علیه ما؛ پس درود فرست بر محمد و آلش، و کمک ده ما را بر این اوضاع به گشایش فوری از جانب خود، و برطرف کردن رنج و ناراحتی و یاری با عزت، و ظاهر ساختن سلطنت حق...»].

در این مقدمه، سه مطلب را یادآور می شوم:

۱- مصباح المتهجد، شیخ طوسی: ۳۶۶، در ضمن دعای قنوت نماز روز جمعه؛ و نیز ص ۵۸۱، در پایان دعای شبهای ماه رمضان معروف به دعای افتتاح.

نخست

نکاتی پیرامون حدیث یاد شده

نخست: ممدوح بودن کثرت عدد و محبوب بودن آن نزد امام علیه السلام:

از این که امام علیه السلام از «قَلَّتْ عدد ما» نزد خداوند شکایت می‌کند، استفاده می‌شود که «کثرت عدد ما» امری ممدوح و مورد درخواست امام علیه السلام است.

و روشن است که کثرت عدد ما با یکی از دو روش حاصل می‌شود:

- ۱- کارهای سخت افزاری و تولید مثل.
- ۲- کارهای نرم افزاری و فرهنگی برای دعوت دیگران به مکتب اهل بیت علیهم السلام.

دوم: کثرت عدد شیعه واقعی به شیعه اذعائی:

با توجه به واژه‌های قبل و بعد از «قَلَّتْ عددنا»، روشن می‌شود که مراد از کثرت و قَلَّتْ عدد ما، افرادی نیستند که فقط اسم شیعه را می‌کشند، بلکه مراد شیعه‌ای است که در مسیر نبوت (= نبینا) و ولایت (= ولینا) گام بردارد و در جبهه مقابل دشمنان ولایت (= عدونا) و فتنه گران (= شدّة الفتن) حرکت کند.

سوم: سخن در ولایت و دشمنی با ولایت است نه شیعه و سنی:

با توجه به این که در این دعا سخن از «عدونا» به میان آمده، معلوم می‌شود که بحث شیعه و سنی نیست بلکه بحث ولایت و دشمنی با ولایت است؛ یعنی سخن درباره کسانی است که در مسیر ولایت قرار دارند و اهداف آن‌ها را دنبال می‌کنند، در مقابل کسانی که مُبغض اهل بیت بوده و دشمن آن‌ها شمرده می‌شوند و با اهداف آن‌ها مقابله می‌کنند.

شواهدی بر سخن یاد شده:

- ۱- مرحوم شهید اول در کتاب لمعه در باب وقف به مناسبت، شیعه را چنین معنا

می‌کند: «الشَّيْعَةُ مَنْ شَايَعَ عَلِيًّا»^۱ [شیعه کسی است که علی را مشایعت می‌کند (= پشت سر او حرکت، و از او تبعیت و پیروی می‌کند)].

چه بسیار افرادی که در طول تاریخ از نظر شناسنامه ستی بوده‌اند ولی دوستدار و مددکار اهل بیت (علیهم‌السلام) بوده‌اند، و برعکس، افرادی که به ظاهر شیعه نامیده می‌شدند ولی مددکار آن‌ها نبودند.

۲- هر کجا در قرآن سخن از ایمان و عمل صالح است، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آن را به امیرالمومنین علی (علیه‌السلام) تفسیر می‌فرمود.

و این که در آیات یاد شده پس از «ایمان»، سخن از «عمل صالح» یا «مصادیق بارز عمل صالح اعم از فردی و اجتماعی» (= اقامه صلات و ایتاء زکات و دستگیری از فقرا در تمام حالات حتی در حال رکوع نماز که در آیه ولایت^۲ مطرح شده) به میان آمده، بهترین گزینه است بر این که ملاکی برای سعادت دنیا و آخرت و نجات از خسران در سوره «والعصر»، صرف لقلقه زبان نیست بلکه ملاک عمل در بستر ایمان است.

به دیگر سخن، ملاک، «عمل صالح مؤمنانه» و افرادی است که انسان را از خسران در تمام ابعاد وجودی - اعم از علم، عقل، بیان و بنان، عبادات و اخلاقیات - نجات می‌دهد. مرحوم علامه امینی در الغدير^۳ ده آیه از این آیات را برمی‌شمرد که در تمام آن‌ها خداوند از امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) با ویژگی و وصف «ایمان» و «عمل صالح» یاد کرده است: از جمله آیه ولایت (= آیه ۵۵ سوره مائده)، سوره «والعصر»، آیه وَدَّ (= مریم/ ۹۶)، آیه خیر البریه (= بینه/ ۷)، آیه عمارت (= توبه/ ۱۹)، آیه عدم مساوات مؤمن و فاسق (= سجده/ ۱۸) و... . شاه کلید آیات فوق سوره «والعصر» است که به پرسش و دغدغه اصلی بشر پاسخ می‌دهد که راه سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت چیست؟

۱- الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، شهيد ثانی ۳: ۱۸۲، که در شرح واژه «شایعه» می‌گوید: «أشيعه».

۲- مائده: ۵۵.

۳- ر.ک: برگزیده الغدير: ۱۵۳ - ۱۵۸؛ و علی (علیه‌السلام) در قرآن: ۴۵ - ۶۴.

و رسول خدا ﷺ نیز در روز غدیر تنها راه برای سعادت و نجات از خسران را «ایمان و عمل صالح» و پیروی از امیر مؤمنان علی علیه السلام به عنوان مصداق بارز «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» معرفی می‌کند و در تفسیر فراز «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» می‌فرماید: «فِي عَلِيٍّ نَزَلَتْ سُورَةُ وَالْعَصْرِ»^۱.

و پیش از روز غدیر نیز مصداق بارز شیعه یعنی سلمان را در تفسیر آیه یاد شده، در کنار علی علیه السلام ذکر می‌کند و طبق نقل سیوطی در الدر المنثور می‌فرماید: «ذَكَرَ ابْنُ عَبَّاسٍ عَلِيًّا وَ سَلْمَانَ»^۲.

و از این تفسیر رسول خدا ﷺ به خوبی استفاده می‌شود که مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» در سورة والعصر و مراد از «شیعه» در حدیث غدیر، شیعه واقعی و پای کار مانند سلمان فارسی است، نه شیعه شناسنامه‌ای و ادعائی.

تحلیل عقلی هم این مطلب را تأیید می‌کند؛ چون سخن از خسران و بدبختی انسان از یک سو و مفید بودن و خوشبختی او از سوی دیگر است، و روشن است که خوشبختی و بدبختی، و خسارت و فایده، با شناسنامه و ادعا حاصل نمی‌شود بلکه با ایمان و عمل حاصل می‌شود.

البته به گفته قرآن در سورة اعراف، صرف اعمال نیک برای نجات از خسران کافی نیستند بلکه اعمال نیک مانند بذری هستند که در بستر ایمان رشد می‌کنند: ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَتْ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ﴾^۳ [سرزمین پاکیزه (و شیرین)، گیاهش به فرمان پروردگار روید؛ اما (در) سرزمین‌های بد طینت (و شوره‌زار)، جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش نروید؛ این گونه آیات (خود) را برای آنان که شکرگزارند، بیان می‌کنیم!].

در این آیه، مراد از «بلد طیب» عقل کامل و قلب سالم است، و مراد از «ذات خبیث» عقل ناقص و قلب بیمار است که خروجی او «نکد» است؛ یعنی چیز اندک از نظر کمیت، و بی فایده از نظر کیفیت.

۱- الغدیر ۱: ۲۱۶، به نقل از ابن جریر طبری در کتاب الولاية؛ برگزیده الغدیر: ۶۶؛ الاحتجاج، طبرسی ۱: ۷۷، با این عبارت: «وفي علي، والله نزلت سورة والعصر».

۲- ر.ک: الدر المنثور ۶: ۳۹۲؛ برگزیده الغدیر: ۱۵۸؛ و علی علیه السلام در قرآن: ۶۴.

۳- اعراف: ۵۸.

و بهترین دلیل بر معنای فوق برای «بلد طیب» و «ذات خبیث»، سورة بقره پایان آیه ۹ (= «وهم لایشعرون») و آغاز آیه ۱۰ (= «فی قلوبهم مرض») است.

و مراد از «عقل» در این آیات، عقل توحیدی است که انسان را به انحصار ولایت و حکومت در خداوند در تمام بخش‌ها (= قانون، قضاوت و اجرا) فرامی‌خواند، و «قلب پاک» قلبی است که این ندای عقل را می‌پذیرد.

از بیانات فوق روشن شد که: خاستگاه ولایت و حاکم به آن «عقل» است، و جایگاه و بستر آن «قلب» است، و پایگاه و مظهرش «اعمال» است.^۱

حال یکی از مصادیق «نبأته» نسل انسان است، ولی نسل خوب و مفید نه «نکد» و بی‌خاصیت. و با توجه به این که «نکد» یعنی چیز اندک و بی‌فایده، پس به قرینه مقابله، «نبأته» یعنی چیز زیاد از حیث کمیت و پُر فایده از نظر کیفیت.

مانند حرّ بن یزید ریاحی شهید دو کربلا که یک روز در اردوگاه ولایت قرار گرفت، ولی به سبب اکسیر ولایت، تمام زوایای وجودش حیات و برکت پیدا کرد از جمله نسل او که به تصریح علامه امینی در الغدیر، در طول تاریخ انسان‌های مؤمن و متدین و مورد احترام جامعه بوده‌اند و میان آن‌ها علما، فقها و شعرای فراوانی به چشم می‌خورد؛ و یکی از آن‌ها، مرحوم شیخ حرّ عاملی صاحب کتاب ارزشمند وسائل الشیعة و از فقهای نام‌آشنای قرن یازده و دوازده می‌باشد.^۲

از این رو، اثر ولایت امیر مؤمنان (علیه السلام) در یک کلمه عبارت است: «برکت پیدا کردن وجود آدمی» که برکت نسل نیز از جمله آن است.

۱- ر.ک: کتاب امام شناسی؛ لزوم، مراحل و روش: ۴۱ و ۲۰۰ و ۲۳۵؛ برگزیده الغدیر: ۱۵۳ - ۱۵۸؛

و علی (علیه السلام) در قرآن: ۴۵ - ۶۴.

۲- ر.ک: برگزیده الغدیر: ۱۱۸۹.

دوم

فعالیت‌های مؤسسه میراث نبوت در راستای بحث جمعیت

اینجانب حدود پانزده سال پیش در سال ۱۳۸۶ هـ ش پس از دریافت گزارشاتمی از برخی آثار منفی و مخرب طرح کنترل جمعیت به ویژه در زمینه تغییر بافت جمعیتی و تبدیل اکثریت به اقلیت در برخی از مناطق کشور، بر آن شدم که در حدّ توان خود در راستای نقد این طرح و پیشگیری از تحقق اهداف شوم دشمنان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) تلاش کنم. به این منظور، امکانات مؤسسه میراث نبوت را بسیج کردم و مؤسسه در کنار فعالیت‌های ملی در زمینه «غدیر» و «معرفی شخصیت حضرت ابوطالب (علیه‌السلام)»، به فعالیت‌های گسترده پژوهشی و فرهنگی درباره «نقد طرح کنترل جمعیت» و «ترویج سبک زندگی اسلامی» پرداخت.

در این راستا در آن زمان کارهای پژوهشی و فرهنگی زیر انجام شد:

- ۱- نوشتن نامه‌ای ده صفحه‌ای مشتمل بر شش مطلب و ارسال برای مراجع معظم تقلید وقت. در پایان این نامه، پنج استفتاء مهم درباره زوایای گوناگون بحث جمعیت مطرح شده بود.
- ۲- منعکس کردن فتاوی دریافتی به مسؤولان فرهنگی و اجرایی وقت؛ از جمله برخی از اعضای جامعه محترم مدرّسین حوزه علمیه قم، برخی از ائمه جمعه و جماعات، رئیس جمهور وقت و
- ۳- تهیه بروشوری با نام «هجوم آرام و خواب غفلت» مشتمل بر چکیده نامه فوق.
- ۴- تکثیر ده‌ها هزار نسخه از بروشور یاد شده و توزیع آن در نقاط هدف؛ از جمله فیضیه میان طلاب و اساتید حوزه علمیه قم، نمازهای جمعه، مخاطبان بنیاد بین المللی غدیر و ستاد فاطمیه در سطح کشور، و
- ۵- فعالیت‌های رسانه‌ای و تولید محتوا برای تهیه برنامه‌های تلویزیونی.
- ۶- اطلاع رسانی در فضای مجازی به ویژه سایت‌های اینترنتی.

سوم

پیرامون کتاب حاضر

اشاره‌ای به فصل‌های کتاب:

دربارهٔ فقه جمعیت چند مرحله از بحث وجود دارد، که در این کتاب به اجمال به آن‌ها اشاره کرده‌ایم و تفصیل مطلب را به آینده می‌سپاریم:
پیشگفتار: لزوم فرهنگ سازی

نخست: تاریخچه و پیشینه بحث جمعیت

- پیشینه بحث در سایر ادیان

- پیشینه بحث در منابع اسلامی (آیات و روایات)

- پیشینه کلامی الهیاتی بحث

- پیشینه فقهی بحث

دوم: اهمیت بحث

سوم: ثمره و کاربرد آن

چهارم: فقهی یا اصولی یا کلامی بودن بحث؟ عقلی یا شرعی بودن آن؟ فردی یا خانوادگی یا اجتماعی بودن آن؟ سیاسی یا اقتصادی یا فرهنگی بودن آن؟ و...

پنجم: بحث کبروی و حکم اولی و ثانوی تکثیر یا تقلیل جمعیت عقلاً و شرعاً

در این بخش، باید در دو مقام بحث کنیم:

مقام نخست: حکم اولی:

باید ابتدا حکم اولی افزایش یا کاهش جمعیت مورد بحث واقع شود، و بررسی کنیم که آیا صرف نظر از عوارض مثبت و منفی فردی، خانوادگی و اجتماعی کاهش یا افزایش جمعیت، در اسلام آیا افزایش جمعیت رجحان دارد (و جوباً یا استحباباً) یا کاهش جمعیت؟

مقام دوم: حکم ثانوی:

آنگاه باید ببینیم که در صورت عروض عوارض فردی، خانوادگی یا اجتماعی بر هر یک از کاهش یا افزایش جمعیت، حکم شرعی و فقهی آن چه خواهد بود؟
و در هر دو مقام اهمّ ادله‌ای که هر یک از مجوزین و مانعین به آن استدلال کرده‌اند یا می‌توانند استدلال کنند (= ما قیل او یمكن أن یقال) از این قرارند:

۱- عقل از جمله قاعده و جوب حفظ نظام

۲- بنای عقلا

۳- سیره مشرعه

۴- اجماع قولی یا عملی فقها

۵- قرآن

۶- سنت

ششم: مباحث مرتبط اعمّ از فقهی، خانوادگی و اجتماعی:

اما مباحث فردی فقهی:

ما این مباحث را تحت دو عنوان: راه‌های تقلیل و کنترل جمعیت و راه‌های تکثیر

جمعیت گرد آورده‌ایم:

اما راه‌های تکثیر جمعیت:

۱- تعدد زوجات

۲- ازدواج موقت

۳- سالم سازی تغذیه و اصلاح مزاج (= درمان عقیمی مردان و نازایی زنان از طریق

تجویز داروهای شیمیایی و گیاهی، مصرف انواع ویتامین، و...)

۴- اهدای اسپرم

۵- اهدای تخمک

۶- اهدای جنین



۷- اجاره رحم یا اهدای رحم یا مادر جایگزینی یا مادر جانشینی

۸- کشت نطفه زوجین و فریز جنین آن‌ها

۹- شبیه سازی یا کلون سازی یا تولید مثل غیر جنسی (= خود لقاحی از طریق سلول‌های بنیادی)

اما راه‌های تقلیل جمعیت:

۱- عزل (= بیرون ریختن نطفه بیرون رحم)، و آنچه در حکم آن است

۲- سقط جنین، و آنچه امروزه در این راستا، به صورت قانونی به نام «غربال‌گری» یا «غربال‌گری بهداشتی» (= جستجوی نظام‌مند برای یافتن

شواهدی از یک بیماری) انجام می‌شود..

۳- استفاده از وسائل پیشگیری مانند قرص‌های ضد بارداری، کاندوم و استفاده از دستگاه‌های بریدی

۴- عقیم سازی دائم یا موقت زن یا مرد

۵- بستن لوله رحم در خانم‌ها (= توبکتومی) و بستن لوله در آقایان (= وازکتومی)

۶- عمل سزارین به جای زایمان طبیعی

۷- خودکشی

۸- کشتن فرزند

۹- بیوتروریسم (= از طریق برخی از واکسن‌ها یا خوراکی‌ها و...)

۱۰- نسل‌کشی

اما مباحث خانوادگی:

۱- حقوق زن

- منافات زاد و ولد با حقوق زنان (اشتغال، تحصیل به ویژه در سطوح عالی، بهداشت

و سلامت و...)



- خطرات ناشی از زایمان (= خطر زایمان زودرس یعنی زیر هجده یا بیست سال، و خطر زایمان دیررس یعنی پس از سی سال و سی و پنج سال)
- بهینه کردن اقتصاد زنان
- ورزش زنان
- تساوی حقوق زن و مرد و رفع تبعیض میان آنها
- ۲- حقوق کودک
- منافع فرزند زیاد با حقوق کودکان (= شیر دادن مادر به کودکان، بهداشت و سلامت، تعلیم و تربیت آنها و...)
- ۳- رفاه خانواده
- وجود رفاه در خانواده‌های کم جمعیت و نبودن رفاه در خانواده‌های پر جمعیت
- تهیه مسکن

اما مباحث اجتماعی:

- ۱- توسعه اقتصادی (= مباحث مربوط به رزق و روزی و...)
- کافی نبودن منابع آبی
- کافی نبودن منابع غذایی
- تورّم
- کاهش محصولات کشاورزی
- فرونی فقر و محرومیت
- ۲- توسعه فرهنگی و علمی
- مشکل تأمین امکانات تعلیم و تربیت توسط دولت
- ۳- محیط زیست و سالم سازی شهرها
- سوراخ شدن لایه اُزن و گرم شدن هوا
- آلودگی محیط زیست
- بروز خشک سالی ها و تغییرات هوا و وجود طوفان ها و گردبادها و تلفات مالی و جانی

- ۴- توسعه بهداشتی
 - کمبود پزشک و امکانات بهداشتی و درمانی
 - فزونی مرگ و میر در اثر افزایش جمعیت
 - ۵- عدالت اجتماعی
 - توزیع نادرست ثروت و فاصله طبقاتی
 - ۶- آسیب‌های اجتماعی؛ مانند بزهکاری، اعتیاد
 - ۷- مشکل مدیریتی با افزایش جمعیت
 - ۸- مهاجرت‌های بی‌رویه و آوارگی
 - ۹- تغییر بافت جمعیتی
 - ۱۰- تنش‌های سیاسی و هرج و مرج (= قاعده «وجوب حفظ نظام» یا «حرمت اختلال نظام»)
- هفتم: آشنایی اجمالی با سلسله مباحث فقه جمعیت

www.ketab.ir

www.ketab.ir

لزوم فرهنگ سازی

نامه ده صفحه‌ای به مراجع تقلید و مسئولان نظام در دهه هشتاد

اینجانب در سال ۱۳۸۶ طی نامه‌ای ده صفحه‌ای به مراجع تقلید وقت، دغدغه خویش نسبت به مسائل جمعیتی کشور و تغییر سبک زندگی مردم و در نتیجه خطر تغییر بافت جمعیتی شیعه و ضربه خوردن مبانی مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) را با آنان مطرح کردم، و در پایان استفتانات دقیقی را درباره زوایای مهم این مسأله پرسیدم. و به خاطر ملاحظات موجود در آن زمان، پاسخ به این نامه از سوی برخی مراجع به طول انجامید، و در برخی موارد پس از بی‌گیری‌های مستمر اینجانب بالاخره پاسخ مناسب صادر شد.

در یک مورد هم پاسخ مکتوب، شفاف نبود و با پاسخ دیگر مراجع هماهنگی چندانی نداشت، که پس از صحبت حضوری اینجانب با آن مراجع تقلید و بازگو کردن اهمیت موضوع، مجدداً پاسخ مناسب را مکتوب کردند.

همچنین پس از بازدید معاون امور روحانیت رئیس جمهور وقت از مؤسسه میراث نبوت، همین نامه توسط ایشان برای رئیس جمهور وقت ارسال شد، که خوشبختانه مورد توجه واقع شد و در آن زمان دستورات لازم به نهادهای مربوطه صادر و جلسات متعددی در این زمینه برگزار شد.

اینک متن کامل نامه یاد شده و پاسخ مراجع معظّم تقلید:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين
اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا، وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقِلَّةَ عَدِدِنَا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهَرَ الزَّمَانِ
عَلَيْنَا؛ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَبِضَرْ تَكْشِفُهُ، وَتَنْصُرُ نُجْرَهُ، وَسَلْطَانٍ حَقٌّ تَظْهَرُهُ

دو دهه است که شعار فرزند کمتر زندگی بهتر را در مطبوعات و رسانه‌ها و کوی و برزن دیده و شنیده‌ایم.

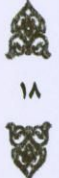
و گاهی نیز در قالب‌های بسیار وسیع‌تر و جذاب‌تر مانند: «خطر انفجار جمعیت»، «عدم تکافوی اقتصاد نسبت به جمعیت»، «آلوده شدن محیط زیست»، «بهداشت مادر و کودک»، «دفاع از حقوق کودک»، «دفاع از حقوق زن»، «توسعه اقتصادی»، «بهداشت بلوغ»، «سالم سازی شهرها»، «مصلحت در این است که ...» و ...

این در حالی است که کنترل جمعیت به عنوان اولی بر خلاف دستورات شرعی است و در روایات شریف به تکثیر نسل توصیه و امر شده است، و کنترل جمعیت اگر به بعضی ملاحظات دارای آثار مثبت باشد، آثار منفی آن مخصوصاً در تغییر اکثریت به اقلیت خطرناک است.

و خصم کینه‌توز با تمام توان، طرح «کنترل جمعیت» را در قالب‌های فریبنده مانند: «تدبیر برای توسعه اقتصادی و فرهنگی کشورهای اسلامی و جهان سوم»، در جای جای ممالک اسلامی مطرح کرد تا بدین وسیله نسل مسلمانان را قطع کرده، و فرهنگ غرب را که نوعی ترجمان فساد اخلاقی و انحراف فرهنگی و دینی است، با شعارهای: «زنان باید در صحنه کار و اجتماع فعالیت داشته باشند»، «ازدواج زودرس باعث رکود زنان می‌شود»، «کشوری که می‌خواهد در راه توسعه گام بردارد نمی‌تواند فقط با نیمی از جمعیت خود این راه را پیماید» و ده‌ها شعار دیگر، رواج داده و حاکم کند.

و رویای «توسعه» با شمشیرهای «مهار جمعیت» و «شرکت زنان در توسعه» که با تبلیغات و اقدامات همه جانبه برخی دولتمردان، دست اندرکاران بهداشت و درمان، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان یونسف، سازمان فرهنگی یونسکو، فائو (= سازمان تغذیه و کشاورزی بین‌المللی)^۱ و ... پشتیبانی می‌شد، با انواع فاکتورهای فریبنده، پا به عرصه ایران اسلامی نهاد و هجومی همه جانبه را علیه نفوس، فرهنگ، اقتصاد، امنیت و ... تحت عناوین یاد شده، آغاز کرد.

۱- برای آشنایی اجمالی با این سازمان‌های جهانی ر.ک: ص ۳۰ - ۳۱ از این کتاب.



مؤسسه میراث نبوت در راستای هدف خود یعنی ترویج معارف اهل بیت (علیهم السلام) و تقویت روحیه ولایی و علوی در میان مردم، مطالب زیر را به اطلاع می‌رساند و از جنابعالی در این زمینه استمداد می‌طلبیم و خواهانیم که ما را از کمک‌ها، نظریات و سفارشات خود بهره‌مند سازید:

مطلب نخست

تشویق اسلام به ازدواج، تشکیل خانواده، زاد و ولد، و ثواب فراوان

مادر به خاطر شوهرداری و شیر دادن و تربیت کودکان

قرآن کریم خطاب به مردان می‌فرماید: ﴿فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ﴾^۱ [از زنان پاک ازدواج نمایید، دو یا سه یا چهار همسر].

و می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِيَسْكُنُوا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً اِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾^۲ [و از نشانه‌های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!].

و به کسانی که امکان ازدواج ندارند دستور می‌دهد: ﴿وَلْيَسْتَغْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾^۳ [کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند!].

و به اولیا فرمان می‌دهد که اسباب ازدواج جوانان را فراهم کنند، و تأکید می‌کند که مبدا به بهانه فقر ازدواج نکنید یا زاد و ولد را ترک کنید که رزق و روزی به دست خداوند رزاق است، و ازدواج و زاد و ولد نه تنها آدمی را فقیر و تنگدست نمی‌کند بلکه در روزی را می‌گشاید: ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ

۱- نساء: ۳.

۲- روم: ۲۱.

۳- نور: ۳۳.

إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ^۱ [مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکارتان را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد، خداوند گشایش دهنده و آگاه است!].

و نیز: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانَ خَطَاً كَبِيراً^۲﴾ [فرزندانتان را از ترس فقر، نکشید! ما آن ها و شما را روزی می دهیم؛ مسلماً کشتن گناه بزرگی است!].

و نیز: ﴿اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ^۳﴾ [خداوند نسبت به بندگانش لطف (و آگاهی) دارد؛ هر کس را بخواهد روزی می دهد و او قوی و شکست ناپذیر است!].

و نیز: ﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ^۴﴾ [خداوند روزی دهنده و صاحب قوت و قدرت است!].

و نیز: ﴿وَكَايْنٍ مِنْ ذَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ^۵﴾ [چه بسا جنبنده ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند او و شما را روزی می دهد و او شنوا و داناست].

و نیز: ﴿وَمَا مِنْ ذَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ^۶﴾ [هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر این که روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می داند؛ همه این ها در کتاب آشکاری (= در لوح محفوظ، در کتاب علم خدا) ثبت است!].

۱- نور: ۳۲.

۲- اسراء: ۳۱.

۳- شوری: ۱۹.

۴- ذاریات: ۵۸.

۵- عنکبوت: ۶۰.

۶- هود: ۶.

و نیز: ﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ * فَوَرَبَّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ﴾^۱ [روزی شما در آسمان است و آنچه به شما وعده داده می‌شود! * سوگند به پروردگار آسمان و زمین که این مطلب حق است همان گونه که شما سخن می‌گویید!].

و نیز: ﴿مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾^۲ [و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند، * و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد و هر کس به خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند، و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است!].

و نیز: ﴿أَلَمْ تَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتاً * أَحْيَاءَ وَأَمْواتاً﴾^۳ [آیا زمین را مرکز اجتماع انسان‌ها قرار ندادیم، * هم در حال حیاتشان و هم مرگشان؟!].

و نیز: ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُثْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ﴾^۴ [و یهود گفتند: «دست خدا (با زنجیر) بسته است». دستهایشان بسته باد! و به خاطر این سخن، از رحمت (الهی) دور شوند! بلکه هر دو دست (قدرت) او، گشاده است هر گونه بخواهد، می‌بخشد!].

و آیات فراوان دیگری که دلالت می‌کنند بر این که گشایش رزق و روزی و تنگی آن، هر دو فقط به دست خداوند است.

و درباره فرزندان می‌فرماید: ﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً﴾^۵ [به آن‌ها گفتم: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است، * تا باران‌های

۱- ذاریات: ۲۲ - ۲۳.

۲- طلاق: ۲ - ۳.

۳- مرسلات: ۲۵ - ۲۶.

۴- مائده: ۶۴.

۵- نوح: ۱۰ - ۱۲.

پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد، * و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ‌های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد!].

و نیز: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» [و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایهٔ روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!«].

و اما روایات اسلامی: از رسول خدا ﷺ نقل شده است: «تَنَاجَوْا تَنَاسَلُوا تَكْثُرُوا؛ فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ بِالسَّقَطِ»^۲ [ازدواج کنید و زاد و ولد نمایید تا زیاد شوید که من به شما - حتی فرزند سقط شده - در روز قیامت بر سایر اُمّت‌ها افتخار می‌کنم].

و نیز فرموده است: «تَزَوَّجُوا؛ فَإِنِّي مُكَاثِّرٌ بِكُمْ الْأُمَمَ غَدًا فِي الْقِيَامَةِ، حَتَّىٰ إِنَّ السَّقَطَ يَجِيءُ مُحْبَنُطًا عَلَىٰ بَابِ الْجَنَّةِ يُقَالُ لَهُ: أَذْخِلِ الْجَنَّةَ، فَيَقُولُ: لَا حَتَّىٰ يَدْخُلَ أَبَوَايَ الْجَنَّةَ قَبْلِي»^۳ [ازدواج کنید؛ چون من فردای قیامت با کثرت افراد شما بر اُمّت‌های پیشین مباحثات می‌کنم، تا حدّی که طفل سقط شده در حالی که دست به کمر زده و از روی غیظ و غضب باد به شکم انداخته (= در حال افتخار) به صحنهٔ قیامت وارد می‌شود و به او گفته می‌شود: (به تنهایی) داخل بهشت شو! و او می‌گوید: وارد نمی‌شوم مگر پدر و مادرم پیش از من داخل بهشت شوند].

۱- فرقان: ۷۴.

۲- مستدرک سفینه البحار، نمازی شاهرودی ۴: ۳۴۰؛ بحار ۱۰۰: ۲۲۰، بدون واژه «تناسلوا»؛ عوالی اللئالی ۳: ۲۸۶، با این عبارت: «تَنَاجَوْا تَكْثُرُوا؛ فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّىٰ بِالسَّقَطِ».

۳- علامه مجلسی در روضه المتّقین فی شرح من لا یحضره الفقیه ۸: ۸۳ در بیان معنای این واژه می‌گوید: «أَيُّ مُغَضَّبٍ انْتَفَخَ جُوفُهُ أَيْ امْتَلَأَ غَضَبًا. وَفِي النِّهَايَةِ: الْمَتَغَضَّبُ الْمُسْتَبْطِيُّ لِلشَّيْءِ (یا عن المشي). وَقِيلَ: هُوَ الْمَمْنَعُ امْتِنَاعَ طَلِبَةٍ لَا امْتِنَاعَ إِبَاءً».

و در مجمع البحرین ۴: ۲۴۲ آمده است: «الْمُحْبَنُطِيُّ: الْعَظِيمُ الْبَطْنِ الْمُنْتَفَخُ؛ مِنْ قَوْلِهِمْ: انْتَفَخَ جُوفُهُ: امْتَلَأَ غَضَبًا».

و در لسان العرب ۷: ۲۷۱ آمده است: «الْمُحْبَنُطِيُّ: اللَّازِقُ بِالْأَرْضِ».

۴- وسائل ۲۰: ۱۴، باب استحباب النکاح، ح ۲.



و نیز فرموده است: «النکاح من سنّتی فَمَنْ رَغِبَ عَنْهُ فَقَدْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي»^۱ [ازدواج از سنّت من است، هر کس از آن دوری کند از سنّت من دوری کرده است].

و نیز فرموده است: «وَلَمَوْلُودٌ فِي أُمْتِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ»^۲ [فرزندى که در اُمّت من به دنیا بیاید، نزد من از آنچه خورشید بر آن تابیده، محبوب‌تر است].

و نیز فرموده است: «مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا؟ لَعَلَّ اللَّهَ يَرْزُقُهُ نَسَمَةً تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»^۳ [چه چیزی انسان مؤمن را از تشکیل خانواده باز می‌دارد؟! شاید خداوند به او فرزندی روزی کند تا زمین را با گفتن «لا إله إلا الله» سنگین کند].

و نیز فرموده است: «اتَّخِذُوا الْأَهْلَ؛ فَإِنَّهُ أَرْزَقَ لَكُمْ»^۴ [تشکیل خانواده بدهید که روزی شما را زیاد می‌کند].

روایتی دیگر: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَشَكَا إِلَيْهِ الْحَاجَةَ؛ فَقَالَ: «تَزَوَّجْ!»؛ فَتَزَوَّجَ؛ فَوَسَّعَ عَلَيْهِ عليه السلام [مندی نزد پیامبر آمد و از نیاز و فقر خود گلایه کرد. حضرت فرمود: «ازدواج کن!»]. آن مرد ازدواج کرد و در زندگی اش گشایش ایجاد شد].

و نیز امیرالمومنین عليه السلام در نهج البلاغة حکمت ۱۳۹ می‌فرماید: «تنزل المعونة على قدر المؤونة» [کمک و مساعدت آسمانی به اندازه مؤونه و مخارج زندگی فرود می‌آید].

و نیز امام صادق عليه السلام می‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ آسَاءَ بِاللَّهِ الظَّنَّ»^۱ [کسی که از ترس عیال‌مندی و نداشتن خرجی آن‌ها، ازدواج نکند، همانا به خدا سوء ظن دارد].

۱- عوالي اللئالي ۲: ۲۶۱؛ بحار ۲۲: ۱۸۰ و ۱۰۰: ۲۲۰، با این عبارت: «النکاح سنّتی؛ فمن رغب عن سنّتی فليس منّي»؛ مستدرک الوسائل ۱۴: ۱۵۳.

۲- مستدرک الوسائل ۱۴: ۱۵۲-۱۵۳؛ بحار ۱۰۰: ۲۲۰.

۳- من لا يحضره الفقيه ۳: ۳۸۲؛ وسائل ۲۰: ۱۴.

۴- کافی ۵: ۳۲۹؛ من لا يحضره الفقيه ۳: ۳۸۳؛ وسائل ۲۰: ۱۵.

۵- کافی ۵: ۳۳۰؛ وسائل ۲۰: ۴۳.

۶- کافی ۵: ۳۳۰؛ وسائل ۲۰: ۴۲، باب کراهة ترك التزويج مخافة العيلة، ح ۱.

و نیز امام سجاد (ع) در دعای ۲۵ صحیفه سجادیه که دعای حضرت در حق فرزندان خویش می‌باشد، می‌فرماید: «وَأَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ وَبِرِّهِمْ، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُكُورًا، وَاجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِي، وَاجْعَلْهُمْ لِي غَوْناً عَلَى مَا سَأَلْتُكَ» [و مرا یاری فرما که فرزندانم را بی‌پرورم و ادب نمایم و به آنان مهربانی کنم، و افزون بر ایشان به من فرزندان پسر عطا فرما، و این را مایه خیر من قرار ده، و همه آنان را در آنچه از تو می‌خواهم یاور من گردان].

نتیجه آیات و روایات یاد شده:

- ۱- جوانانی که به سنّ ازدواج رسیده‌اند و همسر مناسب برای آنان فراهم است، باید فوراً ازدواج کنند، و تأخیر آن به بهانه نداشتن شغل، فقر مالی، خواندن درس و... جایز نیست.
- ۲- اولیا باید شرایط ازدواج جوانان را فراهم سازند.
- ۳- گشایش رزق و روزی و تنگی آن برای دولت و ملت، تنها به دست خداوند است، و ازدواج و زاد و ولد نه تنها دولت را ملت را فقیر و تنگدست نمی‌کند بلکه در روزی و رحمت الهی را می‌گشاید.
- ۴- بر مؤمنان است که خود را از برکات ثواب‌های بسیاری که برای والدین به ویژه مادر در دوران بارداری و شیر دادن به بچه و ... می‌باشد، محروم نسازند و بچه‌داری و پرورش کودک را از عبادات مهم بدانند.
- ۵- کنترل جمعیت به عنوان اولی بر خلاف دستورات شرعی است و در آیات و روایات به تکثیر نسل توصیه و امر شده است.
- ۶- به حکم آیه: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»^۲ [در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین در میان مردم ظاهر نشوید]،

۱- عنوان دعای ۲۵ این است: «وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ (ع) لِأُولَدِهِ». از این رو، مناسب است که برای آشنایی با حقوق متقابل والدین و فرزندان، در تک تک فرازهای آن تأمل شود.

و روایت معروف: «مَسْجِدُ الْمَرْأَةِ بَيْتُهَا»^۱ [بهترین مسجد زنان خانه آنان است]، وظیفه اصلی زنان: همسرداری، خانه‌داری و تربیت فرزندان صالح است

۱- شهید اول در کتاب «لمعه» در بحث مکان نمازگزار می‌گوید: «ومسجد المرأة بیتها»، و شهید دوم در شرح لمعه آن را چنین توضیح می‌دهد: «بمعنی أَنَّ صَلَاتَهَا فِيهِ أَفْضَلُ مِنْ خُرُوجِهَا إِلَى الْمَسْجِدِ، أَوْ بِمَعْنَى كَوْنِ صَلَاتِهَا فِيهِ كَالْمَسْجِدِ فِي الْفَضِيلَةِ؛ فَلَا تَفْتَقِرُ إِلَى طَلَبِهَا بِالْخُرُوجِ. وَهَلْ هُوَ كَمَسْجِدٍ مُطْلَقٍ، أَوْ كَمَا تَرِيدُ الْخُرُوجَ إِلَيْهِ فِيخْتَلِفُ بِحَسَبِهِ؟ الظَّاهِرُ الثَّانِي»؛ ر.ک: شرح لمعه، با حاشیه کلاتر ۱: ۵۳۸. و مضمون فتوای فوق، در روایات فراوان شیعه و سنی به چشم می‌خورد؛ تا جایی که در کتاب وسائل ۵: ۲۳۶، در کتاب الصلاة، عنوان باب ۳۰ از ابواب احکام المساجد چنین است: «باب استحباب اختيار المرأة الصلاة في بيتها على الصلاة في المسجد، واستحباب اختيارها أستر موضع في دارها». برای نمونه به برخی از روایات این باب توجه کنید: رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ وَخَدَهَا فِي بَيْتِهَا، كَقَضْلِ صَلَاتِهَا فِي الْجُمُعِ خَمْسًا وَعِشْرِينَ دَرَجَةً» [نماز زن به تنهایی در خانه، بیست و پنج برابر از نماز او در جمع برتر است]؛ ر.ک: وسائل ۵: ۲۳۷، باب استحباب اختيار المرأة الصلاة في بيتها على الصلاة في المسجد، ح ۵؛ بحار ۸۰: ۳۷۱، باب فضل المساجد وأحكامها وآدابها، ح ۳۱.

و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ عَلَى خَدِّهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا، وَصَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي الدَّارِ» [نماز زن در پستو و بهل خانه خویش، از نماز وی در اتاقش با فضیلت‌تر است. و نماز وی در اتاقش، از نماز وی در خانه بهتر است]؛ ر.ک: من لا يحضره الفقيه ۱: ۳۷۹، ح ۱۱۷۹؛ وسائل ۵: ۲۳۶، همان باب، ح ۱.

و نیز می‌فرماید: «خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ» [بهترین مساجد زنان شما، خانه‌ها است]؛ ر.ک: من لا يحضره الفقيه ۱: ۲۳۸، ح ۷۱۸؛ النهاية، شیخ طوسی: ۱۰۸؛ وسائل ۵: ۲۳۷، همان باب، ح ۲ و ۴؛ بحار ۸۰: ۳۷۱، همان باب، ح ۳۲، که در بیان حدیث می‌گوید: «المشهور بين الأصحاب والمقطوع به في كلامهم أنه يستحب للنساء أن لا يحضرن المساجد، بل المستحب لهن أن يصلين في أستر موضع في بيوتهن كما دلّت عليه الأخبار».

البته در کتاب یادداشت‌های شهید مطهری ۵: ۲۰۶ و ۲۱۰ بحثی تحت این عنوان مطرح شده است: «مسائل مربوط به زن که قابل بحث است»؛ آنگاه یکی از آن مسائل را این قرار داده است: «چرا «مسجد المرأة بیتها»؟ چرا نماز زن در خانه از نماز به جماعت افضل است؟ و چرا پیغمبر اجازه می‌داد که زن‌ها در مسجد در نماز جماعت شرکت کنند و حال آن که مردها سائر کامل نداشتند، که پیغمبر امر کرد زن‌ها دیرتر از سجده سر بردارند که مردها را از پشت نبینند؟... «مسجد المرأة بیتها» با سیره پیغمبر سازگار نیست!».

از این رو، جمع میان این احادیث گوناگون نیاز به دقت دارد، و شاید بهترین وجه الجمع این باشد که بگوییم: باید فعالیت‌های اجتماعی زن در حد ضرورت و به مقدار لازم باشد نه بیشتر، تا از یک سوزن از وظیفه اصلی خود یعنی همسرداری و تربیت فرزندان صالح باز نماند، و از سوی دیگر عفاف و حجاب او به طور کامل محفوظ بماند، و از سوی سوم در عرصه‌های مورد نیاز اجتماعی وظایف خود را انجام داده باشد.

و آنان باید از مشاغل غیر ضروری و نیز هر گونه تحصیل یا اشتغالی که موجب اختلاط زن و مرد و مفاسد دیگر است پرهیز نمایند.

مطلب دوم

توطئه دشمنان اسلام برای قطع نسل مسلمانان به ویژه شیعیان امیرالمومنین علیه السلام معضلات جنسی دنیای مسیحیت و یهودیت امروز در کشورهای غربی، همچنین سستی کانون خانواده آنها به خاطر رواج فحشا و همجنس بازی و نیز بیماری های آمیزشی از قبیل ایدز و... و متعاقباً رکود یا کاهش رشد جمعیت آنان و نگرانی پاپ در این باره، و از طرف دیگر رشد جمعیت مسلمانان به خاطر استحکام خانواده و گرایش مسیحیان به اسلام، غرب را نگران کرد، و باعث تصمیم گیری سریع آنان و تبلیغات وسیع و دامنه دارشان علیه جمعیت و موقعیت رو به رشد مسلمانان شد.

از این رو، غوغای انفجار جمعیت مسلمانان را با بیانات مختلف به راه انداختند و بلافاصله از بلندگوی سازمان ملل متحد، مسأله «انفجار جمعیت مسلمانان» را مطرح کردند.

و سازمان ملل متحد برای حلّ مسأله انفجار جمعیت مسلمانان به طور جدی وارد عمل شد.

در این راستا، تبلیغات گسترده از قبیل: آلودگی محیط زیست، بحران آب و هوا و غذا و زمین و پاره شدن لایه اوزون و ... شروع شد.

تمام سازمان های مربوطه برای اجرای هرچه قوی تر تبلیغات، وارد عمل شدند تا بتوانند زمینه را کاملاً آماده سازند. و از طرفی، برای آن که کشورها این مسأله را به راحتی بپذیرند و ملزم به اجرای اهداف دیگر غرب شوند، راهکار «توسعه» را ارائه دادند.

و برای رسیدن به این توسعه راهکارهای زیر ارائه شد:

الف - «مسأله جمعیت و توسعه»:

به این بیان که رشد بالای جمعیت مسلمانان، با توسعه منافات دارد، و برای رسیدن به «توسعه» باید رشد جمعیت آنان کنترل شود.

ب- «زنان و توسعه»:

به این بیان که با نیمی از جمعیت نمی‌توان برای توسعه گام برداشت، و باید نیمه دیگر جمعیت نیز در «توسعه» مشارکت کنند!

یکی از قوی‌ترین اهرم‌های غرب، بلکه قوی‌ترین اهرم، برای تحمیل اهدافی چون فرهنگ غربی، شیوع بیکاری در جوامع مسلمان، انحطاط اخلاقی با درصد بسیار بالا، ضربه شدید اقتصادی، سست کردن بنیاد خانواده در مسلمانان و ... و به هر حال دست یافتن به هدفِ مهار جمعیت مسلمانان، طرح مسائل مربوط به زنان از سوی مجامع غربی و بین‌المللی است.

طرح «زنان و توسعه» با انحاء گوناگون تبلیغات و تدبیرها، در قالب‌های زیر، پیشنهاد و اجرا شد:

۱- اشتغال زنان:

دعوت زنان به اشتغال در حالی است که آمار مردان بیکار، رقم بالایی را به خود اختصاص داده و به یک مسئله اجتماعی بسیار مهم تبدیل شده است. با وجود مردان جوان بیکار که بارِ گوان تأمین معاش خانواده و زندگی به دوش آن‌هاست، چرا زنان که محور سلامت خانواده هستند و افتخار حفظ و نگهداری و تربیت فرزند را دارند، برای رسیدن به توسعه پیشنهادی غرب، از خانه‌هایشان بیرون کشیده می‌شوند و طعمه مقاصد و مفسد غرب می‌شوند؟!

برخی از پیامدهای اشتغال زنان از این قرار است:

- زنان به کارهای مردانه با حقوقی اندک روی آورده و به آمار مردان بیکار افزوده می‌شود.
- به علت بیکاری مردان، سن ازدواج بالا می‌رود و آمار بزهکاری، جرائم و فساد افزایش می‌یابد.
- به جهت اشتغال زنان، روابط خانواده به سستی گراییده و آمار طلاق به طور جهشی افزایش می‌یابد.

- به جهت سستی ارتباط والدین با فرزندانشان به خاطر اشتغال هر دو، وضعیّت تعلیم و تربیت فرزندان، به شدّت دچار بحران می‌شود و در پی آن، بحران روحی و اخلاقی در خانواده‌ها رو به فزونی می‌نهد.
 - خستگی روحی و جسمی بر زنان و مردان مستولی می‌شود، و مشکلات عصبی فراوان بر جای می‌گذارد.
 - ۲- رفع تبعیض میان زن و مرد:
برخی از پیامدهای غوغای ساختگی رفع تبعیض بین زنان و مردان، تحت عنوان «دفاع از حقوق زنان» از این قرار است:
 - حاکم شدن فرهنگ زن سالاری و فمینیسم بر جامعه.
 - افزایش بحران خانوادگی و به سردی گراییدن کانون گرم خانواده.
 - بالا رفتن تنش‌های اجتماعی.
 - افت شدید میزان تربیت فرزندان.
 - ۳- تحصیلات دختران تا سطوح عالی، و رفع تبعیض میان دختر و پسر.
 - ۴ - تأخیر ازدواج دختران تحت عنوان مسئله ازدواج زودرس.
 - ۵ - دفاع از حقوق زنان و تلاش برای گرفتن حقوق از دست رفته آنان.
 - ۶- شرکت زنان در حرکت‌های سیاسی و به دست آوردن پست‌های کلیدی.
 - ۷- ورزش زنان.
 - ۸- شعار جلوگیری از مرگ زنان و کودکان با کنترل زاد و ولد، تحت عنوان بهداشت باروری.
 - مرگ و میر مادران و نوزادان را به حساب زایمان بیش از دو یا سه بار گذاشتن و... همه نقشه‌هایی هستند در راستای کنترل جمعیت و حاکم شدن فرهنگ غرب.
 - ۹- تواناسازی اقتصاد زنان.
 - ج- بر شمردن مشکلات عدیده اجتماعی برای کثرت جمعیت.
 - د- مشکلات جاری کشور را به عنوان پیامد افزایش جمعیت دانستن.
 - هـ- تشویق و تحریک مردم به رفاه طلبی در همه سطوح.
- نکته:** مطالب یاد شده، به معنای مخالفت با تحصیل زنان به مقدار لازم و ضروری، و اشتغال آن‌ها در مشاغل مورد نیاز و مناسب شأن آن‌ها نیست.

همچنین به معنای شرکت نکردن زنان در صحنه‌های مورد نیاز انقلاب و فعالیت‌های دینی و سیاسی مورد سفارش حضرت امام علیه السلام و رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای و مراجع معظم تقلید نمی‌باشد؛ چرا که اساساً این زنان مؤمن و متدین هستند که محرک مردان برای فعالیت در عرصه‌های گوناگون می‌باشند و در پیروزی انقلاب و جنگ تحمیلی و ... نقش به سزایی داشته و دارند.

مطلب سوم

عوارض و عواقب طرح یاد شده

عوارض طرح استعماری صهیونیستی کنترل جمعیت:

- ۱- بیماری‌های فراوان و مرگ‌های ناشی از مصرف داروهای ضد بارداری و عقیم کردن زنان و مردان، و بیماری‌های زنان از قبیل: سرطان سینه و تخمدان و رحم، و عفونت‌های فراوان.
- ۲- اختلافات خانوادگی فراوان.
- ۳- خارج کردن زنان از جایگاه اصلی خویش به بهانه اشتغال، ورزش و تحصیل و به اصطلاح «رفع تبعیض بین زنان و مردان».
- ۴- افزایش جهشی و روز افزون طلاق.
- ۵- افزایش بزهکاری.
- ۶- تورّم فزاینده.
- ۷- شیوع فحشا و بی‌عفتی و بی‌بند و باری در میان جوانان پسر و دختر.
- ۸- رواج بی‌دینی.
- ۹- تَریّ تغییر احکام اسلام در قالب «قرائت جدید از دین»، و باز شدن باب اشکال‌تراشی‌های بی‌پایه نسبت به احکام دینی و فتاوی مراجع متقدّم.
- ۱۰- زن سالاری و فمینیسم
- ۱۱- تغییر بافت اجتماعی جامعه و تبدیل اقلّیت به اکثریت در برخی مناطق
- ۱۲- پیری جمعیت

و

مطلب چهارم

عملکرد برعکس یهودیان و مسیحیان و دیگر فرقه‌های اسلامی

مسیحیت که خود طراح کنترل جمعیت است، برای پیروان خود نه تنها کنترل جمعیت را روا نمی‌داند، بلکه به دستور پاپ موظف به تکثیر نسل هستند؛ و بر این اساس، آمریکا به عنوان اولین کشور ناموفق در کنترل جمعیت معرفی می‌گردد! و صهیونیسم بین الملل نیز برای رشد جمعیت خود از هیچ اقدامی غفلت نمی‌ورزد حتی از بچه دزدی!

در میان کشورهای اسلامی نیز علمای سقیفه گرا و تبار اُمویان و عباسیان در پاکستان و عربستان، فتوا به حرمت کنترل موالید داده و رسماً آن را مردود شمرده‌اند. در برخی کشورهای اسلامی نیز نه تنها کنترل موالید جریان ندارد، بلکه برای فرزند بیشتر، مساعده نیز مقرر شده است.

روسیه، لهستان، ایران و عراق نیز به عنوان کشورهای ناموفق معرفی شده‌اند. در سایر کشورهای اسلامی و شیعی نشین هم کنترل موالید به شکلی بسیار ضعیف و بدون هیچ اهرم فشاری انجام می‌شود که در حکم عدم کنترل است. و اما ایران اسلامی که از دیرباز دستخوش تاحل و تازهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی بوده است، این بار نیز جهت پیاده شدن طرح کنترل جمعیت، مورد هدف قرار گرفت و به موفقیت نسبی رسید!

البته این طرح در میان برخی مذاهب که فعلاً در اقلیت هستند، عملی نشده است؛ چرا که علمای آن‌ها پیروان خود را توصیه اکید به ازدواج‌های متعدد و کثرت موالید و ازدیاد جمعیت کرده‌اند تا جایی که در برخی شهرهای کشور، موازنه جمعیتی به سود آنان رقم خورده است، و اگر این وضعیت ادامه یابد در آینده نه چندان دور بافت اجتماعی و سیاسی جامعه تغییر می‌کند و اکثریت به اقلیت تبدیل می‌شود!

و واقعاً چه اتفاقی افتاده که تمام مجامع بین‌المللی، کارشناسان آمریکایی،

۱- متأسفانه در سال‌های گذشته با تصویب قانون کنترل موالید در مجلس شورای اسلامی یکی از گام‌های

بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان یونسف^۱، سازمان فرهنگی یونسکو^۲، سازمان جمعیت زنان، سازمان بهداشت جهانی، سازمان تغذیه و کشاورزی بین المللی (= فائو)، و شورای جمعیت^۳ - که در دوران جنگ تحمیلی

۱- صندوق کودکان سازمان ملل متحد (United Nations Children's Fund) که بیشتر با نام

اختصاری «یونسف» خوانده می شود، سازمانی است که برای فراهم کردن غذای اضطراری و خدمات

بهداشتی درمانی برای کودکان در کشورهایی که در اثر جنگ جهانی دوم تخریب شده بودند، برپا شد.

فعالیت های یونسف عمدتاً برای ارائه کمک های لازم و حمایت از کودکان کشورهای در حال توسعه

است. یونسف عمدتاً در نواحی فقیرتر آفریقا فعالیت می کند اگر چه کمک رسانی به سراسر جهان را در

دستور کار دارد. یونسف بیشتر در راستای سیاست حمایت از حقوق کودکان حرکت می کند.

در حال حاضر یونسف پنج اولویت اساسی را دنبال می کند: بقا و رشد کودکان؛ آموزش و تحصیلات

پایه؛ برابری جنسی؛ حفاظت از کودکان در برابر خشونت، سوء استفاده و تجاوز؛ HIV (= ایدز).

یونسف در ۱۹۰ کشور و منطقه از جمله ایران برای رشد، بقا و کامیابی کودکان حضور دارد.

و بیش از ۷۰ سال است که یونسف برای کودکان و خانواده هایشان تلاش می کند.

۲- سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (= یونسکو) یک سازمان تخصصی سازمان ملل

متحد است که با هدف کمک به «ایجاد صلح، ریشه کن کردن فقر، توسعه پایدار و گفتگوی بین

فرهنگی از طریق آموزش، علوم، فرهنگ، و ارتباطات و اطلاعات» به وجود آمده است.

یونسکو در ۱۹۳ کشور از جمله ایران عضو رسمی و ۱۱ عضو وابسته دارد. اکثر دفاتر آن در پاریس فرانسه

مستقر است. افزون بر این مراکز، دفاتر ملی و منطقه ای نیز وجود دارد.

یونسکو به دنبال ایجاد فرهنگ صلح و دانش فراگیر از طریق اطلاعات و ارتباطات است. برای این

منظور، اهداف خود را از طریق پنج حوزه اصلی دنبال می کند: آموزش؛ علوم طبیعی؛ علوم اجتماعی

انسانی؛ فرهنگ؛ ارتباطات و اطلاعات.

۳- «شورای جمعیت»: نام یک سازمان مردم نهاد بین المللی و غیرانتفاعی است. این شورا تحقیقاتی در

زمینه های زیست پزشکی، علوم اجتماعی و بهداشت عمومی انجام می دهد و همین طور به ایجاد

ظرفیت های پژوهشی در کشورهای در حال توسعه کمک می کند.

یک سوم تحقیقات این شورا مربوط به اچ آی وی و ایدز است. دیگر برنامه های اصلی آن در زمینه

بهداشت باروری و ارتباط آن با فقر، جوانان و جنسیت است. به طور مثال، شورای جمعیت در تلاش

است تا به پسر ها آموزش دهد که می توانند در روش های پیشگیری از بارداری مشارکت داشته باشند. این

سازمان دارای مجوز برای پیشگیری از بارداری از روش های گوناگون است.

خصم ایران بودند - به یک باره همه و همه دست به دست هم دادند تا برای جمعیت و اقتصاد و فرهنگ و توسعه پایدار اقتصادی ایران و بهداشت زنان و احقاق حقوق از دست رفته آنان فکری کنند؟!!!

مطلب پنجم

مخالفت مراجع و علمای شیعه با طرح یاد شده

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «زن در دو مرحله مظلوم بوده است: یکی در جاهلیت که مثل حیوانات بلکه پایین‌تر از آن، مظلوم بود، و اسلام، زن را از آن لجنزار بیرون کشید. و دیگر در زمان ما به اسم این که می‌خواهند زن را آزاد کنند، به زن ظلم‌ها کردند، و وی را از آن مقام شرافت، معنویت و عزّتی که داشت پایین کشیدند»^۱.
مراجع معظم تقلید با روش‌های منجر به نقص عضو در مردان (= بستن لوله‌ها یعنی وازکتومی) مخالفند؛ از جمله امام خمینی و رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه‌ای بستن لوله‌ها در مردان را در صورت عدم احتمال بازگشت، جایز ندانسته‌اند. و عدم بازگشت باروری در نیکی از موارد قطعی است؛ لذا این عمل، فعل حرام محسوب می‌شود.

در استفتائی از مرحوم امام خمینی پرسیده شده است:
اینجانب دارای ده فرزند می‌باشم و از نظر کثرت اولاد در زحمت هستم، می‌خواهم لوله‌های رحم را ببندم، آیا شرعاً جایز است یا خیر؟

مرحوم امام جواب داده است:

«اگر موجب نازایی دائمی نشود، و ضرر به مزاج و عضو نرساند، و شوهر راضی باشد، و عمل همراه با ارتکاب عمل غیر شرعی نباشد، اشکال ندارد»^۲.

و حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی علیه السلام می‌فرماید:

«بستن لوله رحم که نوعاً باعث نازایی می‌شود و لو با اجازه همسر باشد، جایز نیست».

۱- بخشی از پیام رادیو تلویزیونی خطاب به ملت ایران به مناسبت سالروز میلاد حضرت زهرا علیها السلام در ۱۳۵۸/۲/۲۶؛ ر.ک: صحیفه امام خمینی ۷: ۳۳۸؛ رساله نوین، امام خمینی ۳ (= مسائل خانواده): ۱۵؛ پرتال امام خمینی به آدرس: www.imam-khomeini.ir.

۲- ر.ک: استفتانات امام خمینی ۸: ۴۲۷؛ رساله نوین، امام خمینی ۳ (= مسائل خانواده): ۹۸ - ۱۰۰، فصل دوم: تحدید نسل یا تنظیم خانواده؛ پرتال امام خمینی به آدرس یاد شده.

و می‌فرماید: «جلوگیری موقت اگر مستلزم محرم نباشد، اشکال ندارد، و عقیم کردن جایز نیست. تنظیم خانواده شرعاً ضرورت محسوب نمی‌شود».

و نیز: «کنترل موالید اگر به بعضی ملاحظات آثار مثبت داشته باشد، آثار منفی آن مخصوصاً در تغییر اکثریت به اقلیت خطرناک است».

و نیز: «به عنوان اولی، کنترل جمعیت بر خلاف دستورات شرعی است، بلکه در روایات شریفه بر تکثیر نسل، امر و توصیه شده است، ولی ممکن است به خاطر عوارضی که پیش می‌آید، حکم ثانوی پیدا شود. مع ذلک به طور مطلق و با نظرات موافق و مخالفی که اظهار شده، نمی‌توان وجوب آن را حکم ثانوی دانست خصوصاً که در بعضی مناطق معایبی دارد از قبیل کثرت جمعیت دیگران برای عدم رعایت تقلیل توالد، و قلت مسلمین برای رعایت آن».

و نیز می‌فرماید: «مسأله کنترل موالید، در بافت اجتماعی و سیاسی جامعه و تغییر اکثریت به اقلیت و به عکس، نقش مهمی دارد، و ما در بعضی موارد کاملاً با آن رو به رو هستیم که رعایت کنترل موالید از سوی ما و عدم آن از طرف مقابل اقلیت، موجب به هم خوردن نظام جامعه می‌شود، و در بعضی موارد شده و یا در شرف وقوع است.

مسلمانان باید همان دستور العمل رسول اکرم صلی الله علیه و آله را که «تَنَاجَوْا تَنَاسَلُوا تَكْثُرُوا؛ فَإِنِّي أَبْأُهِ بِكُمْ الْاُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ بِالسَّقَطِ»^۱ را نصب العین قرار داده، و از برکات و ثواب‌های بسیار که برای والدین مخصوصاً مادر در دوره بارداری و آنگاه ارضاع (= شیر دادن) می‌باشد، خود را محروم نسازند، و این برنامه بچه‌داری و بچه پروری را از عبادات مهم بشمارند»^۲.

مطلب ششم

چند سؤال

سؤال نخست:

حکم کارهای زیر که یا منجر به عقیم شدن موقت یا دائم می‌شود و یا زن را از آوردن بچه‌های متعدد ناتوان می‌سازد، چیست؟

۱- ر. ک: ص ۲۲ از این کتاب.

۲- ر. ک: استفتانات از محضر مرجع عالیقدر آیت الله العظمی صافی گلپایگانی.

- ۱- بستن لوله رحم در خانم‌ها (= توبکتومی) و یا بستن لوله در آقایان (= وازکتومی).
- ۲- استفاده از دستگاه آی یو دی برای جلوگیری از بارداری.
- ۳- عقیم کردن زنان یا مردان.
- ۴- عمل سزارین به جای زایمان طبیعی.
- ۵- استفاده از قرص‌های ضد بارداری.
- ۶- و در پایان: سقط جنین.

پاسخ آیات عظام:

- صافی گلپایگانی: الف- اگر موجب ناباروری دائمی شود جایز نیست، و برای مردان نیز در چنین فرضی جایز نیست؛ واللّٰه العالم.
- ج- عقیم کردن مرد یا زن شرعاً جایز نیست؛ واللّٰه العالم.
- د- فی نفسه اشکال ندارد، ولی اگر از نظر علمی ثابت شود تکرار سزارین موجب نازایی زن برای همیشه می‌شود جایز نیست مگر در صورت اضطرار؛ واللّٰه العالم.
- ه- در مورد سؤال، استفاده از داروهای مذکور قبل از انعقاد نطفه البتّه با اجازه زوج اشکال ندارد و بعد از انعقاد جایز نیست؛ واللّٰه العالم.
- و- به نظر اینجانب اسقاط جنین مطلقاً حرام است و موجب دیه نیز می‌باشد. به طور کلی از جهت حکم شرعی و تکلیفی، هر عملی که موجب عقیم شدن دائم مرد یا زن باشد، جایز نیست؛ واللّٰه العالم.
- مکارم شیرازی: استفاده از طرقی که منجر به عقیم شدن دائمی می‌شود جایز نیست، و غیر آن جایز است، ولی اگر مستلزم نظر و لمس حرام باشد فقط در مواقع ضرورت جایز است، ولی سقط جنین تا جان مادر در خطر نباشد جایز نیست.

نوری همدانی: الف - اگر سبب عقیم شدن گردد جایز نیست.

ب - اگر موجب عقیم شدن دائم نگردد با رعایت موازین شرعی اشکال ندارد.

ج - به صورت دائمی باشد جایز نیست.

د - اگر ضرورت داشته باشد اشکال ندارد.

ه - اگر موجب ضرر و زیان نباشد، اشکال ندارد.

و - سقط جنین جایز نیست و از گناهان کبیره است، و سقط کننده باید دیه بدهد

گرچه روح در آن دمیده نشده باشد.

علوی گرگانی: الف - در صورتی که موجب عقیم شدن دائم شود، حرام است.

ب - اشکال ندارد.

ج - در صورت عقیم شدن دائم، حرام است.

د - در صورتی که اضطرار و ضرورتی در کار نباشد، سزارین حرام است.

ه - اگر برای سلامتی بدن زن مضر نباشد، اشکال ندارد.

و - سقط جنین حرام است، و دیه واجب می شود و لو آن که روح در آن دمیده

نشده باشد.

موسوی اردبیلی: زن و مرد مجرّد و یا ازدواج کرده، در فرض توافق می توانند با

رعایت جهات شرعی در مقام اجراء و نبودن ضرر معتدّ به، از طریق مذکور اقدام

کنند.

در رساله، ابتدای احکام ازدواج و بحث سقط جنین، مطالبی دربارهٔ امور مذکور

در ورقه و سؤال ها ذکر شده، می توانید مراجعه کنید.

سؤال دوم:

آیا فراهم کردن شرایط مطلوب زندگی، تحصیل، پیدا کردن شغل مناسب و ... که

بسیاری از جوانان دختر و پسر به بهانه آن ها، ازدواج را تا سنّ سی سالگی یا بیشتر به

تأخیر می‌اندازند، می‌توانند بهانه‌ای برای تأخیر ازدواج، یا تأخیر زاد و ولد پس از ازدواج و یا تقلیل اولاد باشند؟

پاسخ آیات عظام:

صافی گلپایگانی: خداوند رزاق است و طرح این بهانه‌ها بدگمانی به خداوند است، و ازدواج خود موجب وسعت رزق و کسب سعادت دنیا و آخرت می‌شود؛ واللّه العالیم.

مکارم شیرازی: این بهانه‌ها مجوز تأخیر ازدواج یا پرهیز از فرزنددار شدن نمی‌تواند باشد.

نوری همدانی: این گونه بهانه‌ها نمی‌تواند مجوز تأخیر ازدواج یا جلوگیری از بچه‌دار شدن گردد.

علوی گرگانی: این گونه افکار و وسوسه‌های شیطان است و مخالف با مبانی قرآن است؛ زیرا در قرآن تصریح شده که اگر فقیر هستید ازدواج کنید؛ و لذا جوانان نباید با این افکار، ازدواج را که از بنیان‌های الهی است، به تأخیر بیندازند.

سؤال سوّم:

اگر ادامه روند کنونی در خانواده‌ها که اولاً- جوانان آن‌ها دیر ازدواج می‌کنند، و ثانیاً- پس از ازدواج، دیر بچه‌دار می‌شوند، و ثالثاً- به یک یا دو فرزند اکتفا می‌کنند، سبب تغییر بافت اجتماعی جامعه و تبدیل اکثریت به اقلیت شود، وظیفه شیعیان و پیروان امیرالمؤمنین (علیه السلام) چیست؟

پاسخ آیات عظام:

صافی گلپایگانی: کنترل موالید اگر به بعضی ملاحظات آثار مثبت داشته باشد، آثار منفی آن مخصوصاً در تغییر اکثریت به اقلیت خطرناک است، و بر مسلمین

و مؤمنین بیدار و غیرتمند است که از این پدیده جدّاً جلوگیری نمایند؛ واللّٰه العالم.
مکارم شیرازی: در چنین شرایطی لازم است این قید را حذف کنند و به تکثیر
فرزندان در حدّ معقول بپردازند.

نوری همدانی: در فرض سؤال، دیر ازدواج کردن، و کنترل جمعیت جایز نیست.
و وظیفهٔ پیروان حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) این است که از تمام امکانات خود
استفاده نمایند و اجازه ندهند که چنین موضوعی تحقق یابد.

علوی گرگانی: اگر عدم ازدواج و یا کمتر فرزند آوردن باعث ضعف در بافت
جمعیتی شیعه گردد، به نظر حرام است و موجب غضب امام زمان (عج) است.

موسوی اردبیلی: در اسلام تشویق زیادی به ازدواج شده، و کثرت عبادت کنندگان
و نمازگزاران و مسلمانان فی حدّ نفسه امر مطلوبی است. و لکن چنانچه جهات
دیگری در بین باشد، لازم است توسط کارشناسان متدین و مورد اعتماد و مسئولین
مربوطه مورد رسیدگی قرار گیرد و با توجه به جمیع جهات تصمیم گیری شود.

سؤال چهارم:

اگر تحصیل غیر ضروری و اشتغال غیر ضروری زن در بیرون خانه، سبب تأخیر
ازدواج، تضعیف بنیان خانواده، کوتاهی زن در همسراری و به دنیا آوردن بچه
و تربیت مناسب کودکان شود، چنین تحصیل و اشتغالی چه حکمی دارد؟

پاسخ آیات عظام:

صافی گلپایگانی: ازدواج، خانه داری، همکاری با شوهر، ادارهٔ خانه و تربیت
فرزندان، فضیلت و ثواب بسیار دارد و از اعمال صالحه مهمّه بانوان است،
و تحصیل و اشتغال نباید بانوان را از انجام این مهمّ بازدارد؛ واللّٰه العالم.

مکارم شیرازی: به یقین نباید تحصیل و اشتغال فرد، به وظایف اصلی مادران ضرر
بزند.

نوری همدانی: تحصیل و اشتغال زنان نباید به موضوع تربیت فرزندان و آیین همسراری، لطمه وارد نماید.
علوی گرگانی: با وصف مذکور جایز نیست.

سؤال پنجم:

در وضعیّت کنونی با توجّه به سوء استفاده مشرکان و مخالفان اهل بیت علیهم السلام از طرح «کنترل جمعیت»، وظیفه دولت مردان، رسانه ها، مطبوعات، اساتید حوزه و دانشگاه، نویسندگان، گویندگان و تمام ارادتمندان مکتب امیرالمومنین علیه السلام و فرزندان معصوم او علیهم السلام، و پیروان ولایت فقیه که ادامه ولایت امیر المومنین علیه السلام است، به منظور تحکیم بنیان خانواده ها و حفظ بافت سیاسی و اجتماعی کشور امیرالمومنین علیه السلام چیست؟

پاسخ آیات عظام:

صافی گلپایگانی: در اسلام و تعالیم سازنده آن که همه جوانب حیات بشر را شامل است، داشتن اولاد و فرزندان متعدّد مورد تشویق و ترغیب است و حتّی تا حدّی تأکید شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به کثرت اُمت خود بر اُمم دیگر مباحثات می فرماید. ثواب هایی که در تولید مثل و تربیت اولاد برای پدر و مادر مقرر شده است، به قدری جالب و عظیم است که سزاوار نیست والدین با جلوگیری در بارداری از این همه ثواب خود را محروم سازند و آن را کنترل نمایند؛ واللّٰه العالم.

در خاتمه، مسلمین و مؤمنین بیدار و غیرتمند را متذکّر می سازد که طبق اطلاعات واصله، در بعض نقاط کنترل موالید از سوی مسلمانان موجب قلب مؤمنان در برابر دیگران شده است (= شیعه از اکثریّت به اقلیّت تبدیل شده).

مکارم شیرازی: در تمام مواردی که کنترل موالید سبب تغییر بافت جمعیت و ضربه زدن به مبانی مکتب اهل بیت علیهم السلام می شود، همه وظیفه دارند که در حدّ توان خود جلوی این معنا را بگیرند.

نوری همدانی: در چنین شرایطی وظیفه پیروان اهل بیت علیهم السلام این است که با رعایت موازین شرعی و مقررات حکومت اسلامی از امکانات خود استفاده نمایند و اجازه ندهند که چنین امری واقع شود، و مسئولان و رسانه‌ها و دانشمندان وظیفه دارند مردم را آگاه نمایند و خطر آن را برای مردم توضیح دهند.

علوی گرگانی: پاسخ این سؤال، دقیقاً همان پاسخ سؤال سوم است.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مُحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَمَمَاتِنَا مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجَلِ اللَّهُمَّ
فَرَجَهُمْ، وَنُورِ قُلُوبَنَا بِمَعْرِفَتِكَ، وَمَعْرِفَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْصَارَنَا بِظُهُورِ قَائِمِهِمْ

وفي الختام نسأل الله الإخلاص، فإنه الأصل والأساس
والله الموفق للسداد والصواب، وإليه المرجع والمآب

قم مقدسه - مؤسسه میراث نبوت

محمد حسن شفیعی شاهرودی

ش ۱۳۸۶/۶/۱۷ هـ.

۲۵ شعبان المعظم ۱۴۲۸ هـ. ق

پایان نامه ده صفحه‌ای به مراجع معظم تقلید در دهه هشتاد

اشاره‌ای به سخنان مقام معظم رهبری درباره افزایش جمعیت

خوشبختانه در دهه اخیر، مقام معظم رهبری به صورت جدی به این مسأله ورود کرده‌اند، و تا کنون در مناسبت‌های گوناگون و در دیدار با اقشار مختلف، ده‌ها بار بر اهمیت موضوع جمعیت تأکید کرده‌اند.

اینجانب پس از مطالعه دقیق این سخنان بر اساس آنچه که در پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری آمده است، اهم محاورهای این بیانات را در سه بخش زیر گرد آورده و تقدیم می‌کنم:

- ۱- پیرامون تقلیل و کنترل جمعیت
- ۲- پیرامون تکثیر جمعیت
- ۳- ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت

نخست- پیرامون کاهش جمعیت

- ۱- نقد طرح کنترل جمعیت^۱:
 - اشتباه بودن همراهی با طرح کنترل جمعیت
 - لزوم مقابله با سیاست‌های تحدید نسل؛ ضرورت اصلاح رویه غلط گذشته
 - در تحدید نسل؛ لزوم بازنگری و تغییر سیاست‌های جمعیتی
 - هشدار نسبت به خطرات کاهش رشد جمعیت کشور
 - جلوگیری از حرکت کشور به سمت پیری جمعیت
- ۲- خوب بودن کنترل جمعیت در برخی زمان‌ها:
 - در آغاز که سیاست تحدید نسل اتخاذ شد، خوب بود، لازم بود، لیکن از

۱- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم بجنورد مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۹؛ و نیز بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۳؛ و نیز بیانات در دیدار مسؤولان نظام مورخ ۱۳۹۲/۴/۳؛ ر.ک: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری:

اواسط دهه ۷۰ باید متوقف می شد.^۱

- هر اقدام و تدبیری برای کم کردن جمعیت باید پس از ۱۵۰ میلیون نفر صورت بگیرد.^۲

۳- تلاش دشمن برای کاهش جمعیت ما:

- نسخه های غربی برای ما قابل اعتماد نیستند، نه در زمینه اقتصاد، نه در زمینه های دیگر مثل مسأله جمعیت. اخیراً دستگاه تبلیغاتی دولت انگلیس خبیث تجویز نسخه هم کرده که ایران برای سی میلیون جمعیت، خیلی کشور خوبی خواهد بود! چشمتان چهار تا! ان شاء الله این جمعیت به ۱۵۰ میلیون هم خواهد رسید.^۳

۴- گلایه از برخی مسئولان به دلیل همراهی با سیاست غرب:

- حدیث نبوی: «تَنَاسَلُوا تَنَاسَلُوا تَكْثُرُوا فَإِنِّي أَبْهِي بِكُمْ الْأَمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۴
نسخه اسلامی است و شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» نسخه غربی است، و متأسفانه بعضی از مسئولین ما در گوشه و کنار کشور به نسخه بیگانگان اعتماد بیشتری دارند تا به نسخه داخلی!^۵
- کم کاری ها و بی توجهی برخی مسئولان دولتی به مسأله مهم جمعیت کشور.^۶

- تغییر دادن روی سخن در جلسات عمومی به سوی جامعه، با توجه به کم کاری برخی مسئولان^۷

۱- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم بجنورد مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۹؛ ر.ک: همان.

۲- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام مورخ ۱۳۹۰/۵/۱۶؛ ر.ک: همان.

۳- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام مورخ ۱۳۹۷/۳/۲؛ ر.ک: همان.

۴- ر.ک: ص ۲۲ از این کتاب.

۵- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی مورخ ۱۳۹۷/۱/۱؛ ر.ک: همان.

۶- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰؛ ر.ک: همان.

۷- ر.ک: ص ۴۴ - ۴۵ از این کتاب.

دوم- پیرامون افزایش جمعیت

۱- تسهیل ازدواج جوانان

- راه‌های تسهیل ازدواج باید مورد توجه مسئولان قرار بگیرد.
- بالا رفتن سن ازدواج از عادات غلطی است که در بین مردم وجود دارد که باید با آن‌ها برخورد کرد، و در این زمینه نصیحت و توصیه و راه‌حل‌های جزئی کفایت نمی‌کند بلکه کاری اساسی و تحوّل‌ی لازم است.^۱

۲- تشویق به فرزندآوری

- فرزندآوری یکی از مهم‌ترین مجاهدت‌های زنان و وظایف زنان است.^۲
- یکی از مهم‌ترین وظایف زن، خانه‌داری است. کار زن‌ها در مشاغل اجتماعی و سیاسی نباید به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم؛ خانه‌داری سنگین، بزرگ، مهم، حسّاس و آینده‌ساز است.^۳

- امروز در دنیا، کشورهایی مانند چین و هند به برکت جمعیت زیاد، به خیلی امکانات دست یافته‌اند. با این که مشکلاتی هم دارند اما در عین حال، خود این جمعیت زیاد به عنوان یک ارزش اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی توانسته برای آن‌ها موقّعیتهایی را به وجود بیاورد.^۴

۱- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکّل‌های دانشجویی مورّخ ۱۴۰۰/۲/۲۱؛ ر.ک: همان.

۲- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مداحان مورّخ ۱۳۹۲/۲/۱۱؛ ر.ک: همان.

۳- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مداحان مورّخ ۱۳۹۲/۲/۱۱؛ ر.ک: همان.

۴- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از زوج‌های جوان مورّخ ۱۳۹۸/۱/۶؛ ر.ک: همان.

- خانواده‌ها و جوان‌ها باید تولید مثل را زیاد کنند.^۱

۳- فواید و آثار مثبت افزایش جمعیت:

الف- اهمیت مقوله جمعیت در اقتدار ملی

- افزایش نسل جوان و بزرگ بودن کشور از لحاظ جمعیت، تأثیر زیادی در ایجاد اقتدار ملی دارد.^۲

ب- نقش مهم جمعیت در پیشرفت کشور

- بر اساس حدیث نبوی: «تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا تَكْثُرُوا»^۳، خدای متعال از

۴۳

مسلمان‌ها خواسته که افزایش پیدا کنند؛ چون اگر عدد ملت مسلمان - حال در یک کشور اسلامی مثل کشور ایران یا در فضای اسلامی مثل اُمت اسلامی - زیاد بشود، افراد صالح قهراً زیادترند، توانایی‌ها قهراً بیشتر است، نیروی انسانی قهراً قوی‌تر است؛ و از این رو، زمینه برای رشد و تعالی در آن‌ها فراهم است.^۴

ج- جمعیت جوان، ابزار قوت:

- ابعاد قوت در آیه: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»^۵ خیلی وسیع‌تر از دامنه قوت نظامی است و شامل قوت اقتصادی، علمی، فرهنگی، سیاسی و قوت تبلیغی می‌شود. و امروز حفظ جمعیت جوان کشور یکی از ابزارهای قوت است.^۶

د - تکثیر نسل و تربیت آنان برای اعتلای کشور، مصداق معروف:

- اعتلای فرهنگ، سلامت محیط اخلاقی، سلامت محیط خانوادگی، تکثیر نسل

۱- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ مردم بجنورد مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۹؛ ر.ک: همان.

۲- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۳؛ ر.ک: همان.

۳- ر.ک: ص ۲۲ از این کتاب.

۴- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از زوج‌های جوان مورخ ۱۳۹۸/۱/۶؛ ر.ک: همان.

۵- انفال: ۶۰.

۶- برگرفته از سخنرانی نوروزی مقام معظم رهبری خطاب به ملت ایران مورخ ۱۳۹۹/۱/۳؛ ر.ک: همان.

و تربیت نسل جوان آماده برای اعتلای کشور، و ... رونق دادن به اقتصاد و تولید، همگانی کردن اخلاق اسلامی، گسترش علم و فناوری، استقرار عدالت قضائی و عدالت اقتصادی، مجاهدت برای اقتدار ملت ایران و ورای آن و فراتر از آن، اقتدار اُمت اسلامی و تلاش و مجاهدت برای وحدت اسلامی، مهم‌ترین معروف‌ها هستند، و همه موظفند در راه این معروف‌ها تلاش کنند و به آن‌ها امر کنند.^۱

۴- لزوم برنامه‌ریزی‌های جامع برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور متناسب با سیاست‌های جمعیتی.^۲

۵- لزوم فرهنگ‌سازی:

- باید گره‌های ذهنی باز بشود و در این زمینه فرهنگ‌سازی شود.^۳

- افزایش فرزند باید به صورت یک فرهنگ دریاید. در بعضی از کشورهای غربی مانند آمریکا، گاه تحولاتی پانزده یا بیست تا بچه دارند، بدون این که کسی آن‌ها را مذمت کند بلکه تشویق هم می‌شوند، اما نوبت به کشور ما که می‌رسد کم‌فرزندی را تشویق می‌کنند.

- ازدواج زود هنگام و به هنگام، و فرزند آوری و تکثیر نسل، از وظایف مهم و اساسی و جزو نیازهای حیاتی امروز کشور و فردای کشور است. و باید این مفاهیم در مدّاحی عزیزانِ مدّاح و روحانیون جایگاه شایسته‌ای را داشته باشد و درباره آن‌ها فرهنگ‌سازی کنند.^۵

۱- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی مورخ ۱۳۹۴/۱/۱؛ ر.ک: همان.

۲- ر.ک: ص ۴۶ از این کتاب، بحث «ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت».

۳- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه» مورخ ۱۳۹۲/۸/۸؛ ر.ک: همان.

۴- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از زوج‌های جوان مورخ ۱۳۹۸/۱/۶؛ ر.ک: همان.

۵- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط تصویری با مدّاحان مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۵، و بیانات در دیدار کارگزاران نظام مورخ ۱۳۹۱/۵/۳؛ ر.ک: همان.

۶- لزوم اقتناع نخبگانی:

- در کنار کار فکری نسبت به متدینین و متعبدینی که سخن ما را می پذیرند و به سراغ باروری بیشتر می روند، باید اقتناع نخبگانی انجام شود که در این صورت کار فرهنگ سازی آسان می شود.^۱

۷- لزوم آسیب شناسی:

- انسان به طور طبیعی فرزند را دوست می دارد، و میل زن یا مرد به کم بودن فرزند، یک عارضه است که باید آسیب شناسی شود.^۲

۸- پاسخ به شبهات:

الف- عدم منافات افزایش باروری با بهداشت مادر و کودک:

- طرح مجلس در مورد افزایش باروری و پیشگیری از کاهش جمعیت، بسیار مهم است، و این هیچ منافاتی با مراعات بهداشت و سلامت مادران و فرزندان و نوزادان ندارد.^۳

ب- عدم منافات افزایش جمعیت با اداره مطلوب کشور:

- ما اگر دو برابر امروز جمعیت داشته باشیم، باز هم می توانیم بدون کمترین نیازی به کشورهای دیگر، خود را به بهترین وجه اداره کنیم.^۴

۹- افزایش باید معقول و معتدل باشد:

- بلاشك از نظر سیاست کلی کشور، کشور باید به سمت افزایش جمعیت برود؛ البته به نحو معقول و معتدل.^۵

۱- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه» مورخ ۱۳۹۲/۸/۸؛ ر.ک: همان.

۲- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه» مورخ ۱۳۹۲/۸/۸؛ ر.ک: همان.

۳- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۹۳/۳/۴؛ ر.ک: همان.

۴- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم مورخ ۱۳۶۸/۴/۱۸؛ ر.ک: همان.

۵- برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه» مورخ ۱۳۹۲/۸/۸؛ ر.ک: همان.

سوم - ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت^۱

با عنایت به اهمیت مقوله جمعیت در اقتدار ملی، و با توجه به پویندگی، بالندگی و جوانی جمعیت کنونی کشور به عنوان یک فرصت و امتیاز، و در جهت جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری در سال‌های گذشته، سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغ می‌گردد.

با در نظر داشتن نقش ایجابی عامل جمعیت در پیشرفت کشور، لازم است برنامه‌ریزی‌های جامع برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور متناسب با سیاست‌های جمعیتی انجام گیرد.

همچنین ضروری است با هماهنگی و تقسیم کار بین ارکان نظام و دستگاه‌های ذیربط در این زمینه اقدامات لازم با دقت، سرعت و قوت صورت گیرد و نتایج رصد مستمر اجرای سیاست‌ها گزارش شود.

۱- ارتقاء پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی.

۲- رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد.

۳- اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران به ویژه در دوره بارداری و شیردهی و پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان و تقویت نهادها و مؤسسات حمایتی ذی‌ربط.

۴- تحکیم بنیان و پایداری خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره اصالت کانون خانواده و فرزند پروری و با تأکید بر آموزش

۱- ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت توسط مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۰؛ ر.ک: همان.

مهارت‌های زندگی و ارتباطی و ارائه خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی ایرانی و توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی در جهت سلامت باروری و فرزندآوری.

۵- ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی ایرانی و مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی.

۶- ارتقاء امید به زندگی، تأمین سلامت و تغذیه سالم جمعیت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، به ویژه اعتیاد، سوانح، آلودگی‌های زیست محیطی و بیماری‌ها.

۷- فرهنگ سازی برای احترام و تکریم سالمندان و ایجاد شرایط لازم برای تأمین سلامت و نگهداری آنان در خانواده، و پیش‌بینی ساز و کار لازم برای بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های سالمندان در عرصه‌های مناسب.

۸- توانمندسازی جمعیت در سنّ کار با فرهنگ سازی و اصلاح، تقویت و سازگار کردن نظامات تربیتی و آموزش‌های عمومی، کارآفرینی، فنی حرفه‌ای و تخصصی، با نیازهای جامعه و استعدادها و علایق آنان در جهت ایجاد اشتغال مؤثر و مولد.

۹- باز توزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت، متناسب با ظرفیت زیستی با تأکید بر تأمین آب با هدف توزیع متعادل و کاهش فشار جمعیتی.

۱۰- حفظ و جذب جمعیت در روستاها و مناطق مرزی و کم تراکم و ایجاد مراکز جدید جمعیتی به ویژه در جزایر و سواحل خلیج فارس و دریای عمان از طریق توسعه شبکه‌های زیربنایی، حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری و ایجاد فضای کسب و کار با درآمد کافی.

۱۱- مدیریت مهاجرت به داخل و خارج هماهنگ با سیاست‌های کلی جمعیت با تدوین و اجرای ساز و کارهای مناسب.

۱۲- تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور و سرمایه‌گذاری، و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان.

۱۳- تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی (ایرانی، اسلامی، انقلابی) و ارتقاء وفاق و همگرایی اجتماعی در پهنه سرزمینی به ویژه در میان مرزنشینان و ایرانیان خارج از کشور.

۱۴- رصد مستمر سیاست‌های جمعیتی در ابعاد کمی و کیفی با ایجاد ساز و کار مناسب و تدوین شاخص‌های بومی توسعه انسانی و انجام پژوهش‌های جمعیتی و توسعه انسانی.

